اطلاعات
Ettelaat Newspaper
۱۳۰۵

* دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ * ۱۳ شوال ۱۴۴۵
* ۲۲ آوریل ۲۰۲۴ * سال نودوهشتم * شماره ۲۸۶۵۰

ettelaat.com ettelaatonline

ابعاد ژئوپلیتیکی جنگ غزه

جنگ خشونت‌بار غزه و طولانی شدنش، ابعاد و پیامدهای ژئوپلیتیکی متعددی را در سطح منطقه و بین‌الملل به دنبال دارد. این روزها بررسی ابعاد این جنگ و علل و عوامل تأثیرگذار بر روند آن از موضوعاتی است که کارشناسان مسائل سیاسی منطقه بدان می‌پردازند. «ژئوپلیتیك جنگ غزه» عنوان نشست مشترك کلاب علوم سیاسی و مؤسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر (مرام) است که در تاریخ ۱۴۰۳/۱/۲۹ برگزار شد و در آن استاد مسجدجامعی به بیان دیدگاه‌های خود در این زمینه پرداخت.

دکتر محمد مسجدجامعی
متخصص ژئوپلیتیک

مقاله
سیاسی

محورهای اصلی بحث چنین است: ۱ـ نظام بین‌الملل در حال حاضر و چگونگی تحولات و پیامدهایش، ۲ـ جنگ اوکراین و چگونگی تأثیرگذاری آن بر جنگ غزه، ۳ـ راست‌گرایی دینی: اونجلیکالیسم امریکایی و اندیشه‌های مسیحایی یهودیان راستگرا، ۴ـ شرائط در جهان عرب و چگونگی نگاه به اسرائیل از جانب بخش‌های مختلف آن، ۵ـ اسرائیل و وضعیت داخلی آن، ۶ـ افکار عمومی در سطح جهانی و چگونگی تأثرش از جنگ غزه و تأثیرهایش بر آن، ۷ـ جهان در حال گذار و چالش‌هایش و نسبت آن با جنگ غزه. این محورها تقریباً می‌تواند ابعاد و نیز پیامدهای ژئوپلیتیکی جنگ غزه را نشان دهد. لازم است به این نکته اشاره شود که صحبت حاضر به موضوع غزه تا قبل از حمله موشکی ایران در پاسخ به حمله به کنسولگری، بازمی‌گردد.

نظام بین‌الملل و چگونگی تحولات و پیامدهایش

۱ـ محور نخست به نظم و نظام بین‌الملل کنونی بازمی‌گردد و اینکه چرا این جنگ علی‌رغم خشونت بی‌سابقه‌اش تا بدن حد طولانی شده است. این در حالی است که عموم رسانه‌ها تصاویر و گزارش‌های وحشتناك این جنگ را نشان داده و می‌دهند. از بمباران مناطق مسکونی و غیر نظامی گرفته تا بیمارستان‌ها و محلهای تجمع گرسنگان برای گرفتن مواد غذایی و آب، تا بمباران متعمدانه آشپزخانه بین‌المللی که در آن هر هفت نفر مسئولش کشته شدند، با اینکه شش تنشان فلسطینی نبودند. مضافاً که مردم با تحریم شدید مواد غذایی و آب آشامیدنی مواجهند و هم‌اکنون یکی از مشکلاتشان تهیه این دو، دارو و لوازم جراحی است. از این رو بسیاری می‌گویند آنها مشمول نوعی «پاکسازی نژادی» هستند.

با توجه به این نکات و شکایت افریقای جنوبی و اخیراً نیکاراگوئه به دادگاه بین‌المللی لاهه، نباید این جنگ تا بدین حد طولانی می‌شد، اما شد؛ چرا؟

این موضوع به فقدان نظم و نظام بین‌الملل در حال حاضر بازمی‌گردد. در نتیجه به رغم اعتراضات مختلف و مکرر بخشهای متعدد سازمان ملل، به دلیل نبودِ همین نظم و نظام، جنگ ادامه یافته است. بی‌گمان بخش مهمی از قضیه به سرکشی اسرائیل مربوط می‌شود و این که پیوسته خود را فراتر از قانون می‌داند و کسان فراوانی هستند که با وجود همهٔ اینها، از او حمایت می‌کنند. حال ببینیم داستان چیست.

عوارض نظام دوقطبی

۲ـ پس از جنگ جهانی دوم، نظامی دوقطبی حاکمیت یافت. یك طرف امریکا بود و متحدانش و طرف دیگر شوروی بود و متحدانش. این هر دو حضوری قدرتمند داشتند. می‌دانستند چه می‌خواهند و به مثابه دو رقیب و بلکه دو دشمن، در برابر یکدیگر قرار داشتند و همدیگر را مهار می‌کردند و مهمتر این بود که کشورهای خارج از حوزه متحدان، این دو را جدی می‌گرفتند. نه تنها از آنان حرف‌شنوی داشتند، بلکه عملاً تابع تصمیمات آنان بودند. به همین دلیل بحران‌هایی که وجود داشت، سرانجام می‌یافت و عموماً چندان به درازا نمی‌انجامید. نمونه خوبش جنگ ۱۹۵۶ است پس از اینکه **عبدالناصر** «ملی شدن کانال سوئز» را اعلام کرد که جنگ سه جانبهٔ انگلستان، فرانسه و اسرائیل را موجب شد و بخشهای مهمی از صحرای سینا به اشغال اسرائیل درآمد. این حمله مورد مخالفت امریکا و شوروی قرار گرفت و به سه کشور یادشده اخطار (اولتیماتوم) دادند که می‌باید جنگ را تمام کنند و خاك مصر را ترك گویند. این امر به سرعت جامه عمل پوشید و جنگ خاتمه یافت و حتی نخست‌وزیر وقت انگلستان مجبور به استعفا شد.

نمونه دیگر «بحران موشکی کوبا»ست. به دلیل استقرار موشك‌های هسته‌ای امریکا مخصوصاً در ترکیه، شوروی‌ها موشك‌های خود را در کوبا مستقر ساختند. این جریان واکنش شدید امریکایی‌ها را موجب شد و جهان را تا مرز جنگ هسته‌ای به پیش برد؛ اما به دلیل نظامی که وجود داشت، در نهایت هر دو طرف عقب‌نشینی کردند و موشك‌ها را از دو کشور یادشده، بردند.

به جز این، نمونه‌های کوچك و بزرگ فراوان دیگری وجود داشت که به دلیل استحکام نظم و نظام یادشده، درگیری‌ها دیر یا زود پایان می‌یافت. این جریان تا پایان دوران نظام دوقطبی ادامه یافت و حتی پس از آنکه جهان به نظام تك‌قطبی امریکایی تبدیل شد، باز هم امریکایی‌ها این توان را داشتند که به تنهایی به مثابه ناظم و مبصر جهان، برخی از بحران‌ها را مدیریت کنند.

جهان تك‌قطبی

۳ـ اولین بحران جهان تك‌قطبی، «جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس» است که اگرچه در آن زمان بلوك شرق هنوز به طور کامل فروپاشیده بود، اما به عنوان یك قطب دیگر حضور نداشت و عملاً جهان تك‌قطبی شده بود، این قطب واحد توانست اجماع بزرگی را شکل دهد و جنگ را مدیریت کند. نمونه دوم به «قرارداد دیتون» و آتش‌بس در بوسنی و یوگسلاوی سابق بازمی‌گردد. به دلایل مختلف حداقل برخی از کشورهای بانفوذ اروپایی، به عنوانی خواهان ادامه جنگ و به ویژه پراکندگی مسلمانان بوسنی بودند؛ اما در اواسط دهه نود امریکا تصمیم گرفت که به جنگ خاتمه دهد و تقریباً چنین شد.

نمونه سوم به «جنگ دوم خلیج فارس در ۲۰۰۳» مربوط می‌شود که امریکا به دلایل مختلف نفوذ سابق خود را از دست داده بود و نتوانست همچون دو مورد گذشته اراده‌اش را تحمیل کند. فرانسه و عموم کشورهای مهمتر اروپایی با این جنگ مخالف بودند که **رامسفلد** ـ وزیر دفاع وقت امریکا ـ آنها را «اروپای پیر» نامید در برابر «اروپای جوان»، که در کنار امریکا ایستادند. این مخالفت را **دومینیك دووپلین** ـ وزیر خارجه فرانسه ـ به بهترین صورت در سخنرانی‌اش در سازمان ملل بیان کرد.

ضعف درونی امریکا

۴ـ از این به بعد بود که تك قطب موجود که امریکا باشد، از درون دچار مشکل شد و انسجام قبلی خود را از دست داد. اشغال عراق و کثرت کشته شدگان نظامی امریکایی و مشکلات فراوان دیگر، سیاست خارجی و بلکه سیاست داخلی امریکا را دچار چالش کرد که در نهایت به سرکار آمدن **اوباما**، انجامید که واکنشی بود به اوضاع سخت داخلی امریکا. بدین ترتیب قدرت قاهره‌ای که نظام تك‌قطبی را اداره می‌کرد، خود دچار بحران شد و طبیعتاً در چنین حالتی چنین نظامی نمی‌توانست پشتوانهٔ نظم و نظام مستحکم جهانی باشد. آمدن پرسر و صدای **ترامپ** و سپس **بایدن** هم نتوانست خلأ یادشده را جبران کند. قطب واحد از درون دچار مشکل بود و طبیعتاً نفوذش را از دست داد.

در کنار این همه خصوصاً در طی دهه اخیر، شاهد رشد روزافزون قدرت‌های جدید هستیم. از چین و روسیهٔ **پوتین** گرفته تا هند و برزیل و مجموعه بریکس. ضعف روزافزون قطب اول و رشد فزاینده قطب‌ها و یا نیم‌قطب‌های جدید، بیشترین تأثیر را در سست کردن نظم و نظام کنونی داشته و دارد. در چنین وضعیتی طبیعی است که جنگ غزه تا بدین حد طولانی و وحشیانه شود. خصوصاً که طرف مقابل از هیچ اقدام سرکوبگرایانه‌ای فروگذار نمی‌کند و به هیچ سخن و توصیه‌ای گوش فرانمی‌دهد. مضافاً که به حامیان بعضاً سینه‌چاك خود، متکی است.

جنگ اوکراین

۵ـ طولانی و مزمن و فرسایشی شدن جنگ اوکراین نمونه دیگری است از سستی نظام بین‌الملل؛ اما آنچه در اینجا مورد توجه است، نتایجش بر روی جنگ غزه است و نه خود این جنگ. به طور خلاصه جنگ اوکراین، مجموعه غرب و خصوصاً بخش آنگلوساکسون آن را عمیقاً قطبی کرد. به این معنی که افکار عمومی و احزاب و گروه‌های مختلف و نیز حاکمیت‌های موجود غربی احساس کردند که به عنوان یك مجموعه مورد تهدید هستند. تهدید از جانب روسیه و یا مجموعه «روسیه و چین» و یا دیگرانی که در نهایت غیر غربی هستند. چنین احساسی و بدین شدت و عمق در طی دوران اخیر، هیچ‌گاه وجود نداشته است. مجموعه اروپا و امریکا، و حتی استرالیا و کانادا و نیوزلند، و حتی بخشهای کمتر توسعه یافتهٔ شرق و جنوب اروپا، چنین احساسی داشته و دارند. این که دلایل پیدایش این احساس چه بود، خود بحث دیگری است. مهم این است که چنین واقعیتی وجود داشته و دارد.

این پناه بردن به خود و بلکه فروفرفتن به درون خود، زمینه را برای تعارض با دیگرانی که ممکن بود همچون روسها تلقی شوند، آماده ساخت و بدین ترتیب دشمنی با کشوری همچون چین و یا مجموعه وسیع مسلمانان به گونه‌ای ناآگاهانه افزایش یافت. همچنان که نوعی گرایش نسبت به کسان دیگری که در برابر این گروه‌ها بودند، فراهم آمد که در اینجا منظور اسرائیلی‌ها هستند.

آنچه این احساس را نیرومندتر می‌کند، نوعی «ترس تمدنی» است و اینکه مجموعه خارج از غرب در مسابقه تکنولوژی و خصوصاً تکنولوژی پیشرفتهٔ کوانتومی از غرب سبقت بگیرد و این به قیمت سقوط جایگاه منحصر به فرد چندین قرنه آنها تمام می‌شود. این نکته را **جورج سوروس** در «کنفرانس داووس» به صراحت بیان داشت و این که: «اگر چین در تکنولوژی جدید از ما پیشی بگیرد، جهان آینده را خواهد برد!» به جز این، نوعی ترس تمدنی در مفهوم فرهنگی و هویتی آن هم وجود دارد که عمدتاً به رشد کمّی و کیفی مسلمانان بازمی‌گردد.

دفع غیر خودی

۶ـ برای نمونه آلمان مرزهایش را بر روی پناهندگان سوری گشود و صدها هزار تن را پذیرفت که البته دلایل خاص خود را داشت. مهم این است که در شهرهایی که تعداد فراوانی از پناهندگان را پذیرفته بودند، در سال اول، مراسم آتشبازی شب اول ژانویه برگزار نشد تا مبادا سروصدای آتشبازی موجب وحشت پناهندگانی شود که از جنگ داخلی گریخته بودند و برایشان آن اوضاع و احوال را تداعی می‌کرد. همین آلمان در حال حاضر از مدافعان بی چون و چرای اسرائیل است و پیوسته بدان تأکید می‌کند، در حالی که نسل‌کشی آنان را به عیان می‌بیند.

کشوری چون اتریش که بخشی از میراثش بیزانسی است و پیوسته در طول تاریخ جدید کوشیده بود تعادلی در رابطه خود با بلوك شرق و غرب ایجاد کند، هم‌اکنون بی‌محابا از اسرائیل طرفداری می‌کند. حال آنکه در جنگ بوسنی بیشترین کمك را به آوارگان آنها کرد و سیاستی بسیار متوازن در پیش گرفت. هواداری کشورهایی چون مجارستان و چك تا حدودی مفهوم است، اما در مورد اتریش به واقع تحولی رخ داده است.

این تحولات فراوان و چندلایه است؛ اما در این میان به احتمال فراوان در خود فرورفتگی ناشی از جنگ اوکراین و ترس از روسیه سهم بزرگی دارد. آنچه در اینجا مهم است، «دفع غیر خودی» است که در مورد غزه، از نظرشان فلسطینی‌ها غیر خودی و اسرائیلی‌ها خودی هستند.

راست‌گرایی دینی

۷ـ هم‌اکنون با نوع شدیدی از راستگرایی دینی مواجه هستیم. خصوصاً در بین مسیحیان اونجلیکان امریکایی، یهودیان ارتدوکس و اولترا ارتدوکس و نیز هندوها. آنچه در اینجا اهمیت دارد، نوع اول و دوم است. سابقه اونجلیکال‌ها (انجیلی‌ها) به قرنهای هجدهم و نوزهم بازمی‌گردد، اما جهش بزرگشان به پس از انتخابات **ریگان** در اوائل دهه هشتاد میلادی مربوط می‌شود. سقوط بلوك شرق این جریان را تشدید کرد و در دوران ترامپ به اوج خود رسید و هم‌اکنون در موقعیتی نیرومندتر از دوران ترامپ قرار دارد. قبلاً هم درباره نسبت «راستگرایی دینی و جنگ غزه» صحبت کرده‌ایم. مسئله این است که در طی ماههای پس از جنگ غزه، این جریان پیوسته نیرومندتر شده و با جنجال‌آفرینی‌های اخیر ترامپ که خود را برای انتخابات جدید آماده می‌کند، شدت یافته است.

اینان تفکراتی آخرالزمانی دارند و فلاح و رستگاری شخصی و جمعی و ملی خود را در خدمت به یهودیان و اسرائیل می‌دانند. آنها خواهان تجمع یهودیان در فلسطین و ساختن مجدد معبد سلیمان هستند و اینکه این معبد می‌باید بر روی خرابه‌های مسجدالاقصی ساخته شود. به نظرشان این کار لازمه فرود عیسی مسیح(ع) است و با فرود اوست که مسیحیان به رستگاری نهایی می‌رسند و جهان گلستان می‌شود. آنها صریحاً می‌گویند و معتقدند که عزت و سروری امریکا مرتبط است با پشتیبانی آنها از اسرائیل و در خدمت او بودن. این امر بیش از آنکه جریانی سیاسی باشد، اعتقادی است، اگرچه سیاست‌بازان از پتانسیل آن بهره خود را می‌برند.

این نوع تفکرات هم‌اکنون در اوج خود قرار دارد و آن چنان صحنه‌گردانی می‌کند که امریکایی‌های غیر انجیلی را هم تحت تأثیر قرار داده است. سیاست دولت **بایدن** عمیقاً متأثر از این جریان است. مخصوصاً که **ترامپ** و همفکرانش بیشترین فشار را از این نقطه به دولت او وارد می‌سازند.

تأثیر دیدگاه‌های آخرالزمانی

۸ـ این راستگرایی افراطی، برخی از یهودیان خصوصاً داخل اسرائیل و هندوها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این که خاخام معتبری بگوید: «کودکان فلسطینی را می‌توان کشت، چون اگر او بزرگ شوند، تو را خواهند کشت»، حاکی از راستگرایی لگام‌گسیخته است. و یا این که بگوید: «زنان را نیز می‌توان کشت؛ زیرا اینان پرورش‌دهنده کسانی هستند که در آینده در برابرت می‌ایستند، لذا کشتن شان بلامانع است»!

به احتمال بسیار برای اولین بار است که چنین دیدگاه‌ها و تفسیرهایی از متون یهودی مطرح می‌شود. اگرچه تورات عمدتاً تاریخ فرازونشیب‌های قوم یهود است و به همین دلیل در خدمت این قوم بوده و هست و مشتمل بر عباراتی نژادگرایانه است، اما به نظر می‌آید چنین تفسیرهایی نتیجه تأثرشان از دیدگاه‌های آخرالزمانی انجیلی‌ها و اصرار آنان بر برگزیده بودن قوم یهود می‌باشد. اونجلیکال‌ها معتقدند که باید در خدمت یهودیان باشند، حتی اگر آنان افراد صالحی نباشند. صرف تعلق بدین قوم برای خدمت بدان‌ها، کافی است!

در برخی از اسفار عهد عتیق، همچون «سفر سموئیل اول»، آیاتی یافت می‌شود که از یهودیان می‌خواهد دشمن خود و حتی حیوانات آنها را با شدت و حدّت از میان بردارند. بعضاً چنین مضمونی در سفر تثنیه هم وجود دارد، اما این آیات باید در پرتو سایر آیات عهد عتیق مورد بررسی قرار گیرد. مضافاً که مهمترین فرمان «ده فرمان» معروف حضرت موسی(ع)، «قتل مکن» است. این که خاخام‌هایی آن گونه بگویند، حاکی از تسلط بی چون و چرای رادیکالیسم دینی است. مضافاً که این احکام در مورد ساکنان فلسطین داده می‌شود و نه بازماندگان نازی‌ها! اینان هزاران سال است که در این سرزمین زندگی می‌کنند و پیوسته تا دهه‌های اخیر در کنار یهودیان بومی، زندگانی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند و واقعیت این است که که تنش ایجادشده نه از جانب آنها که از جانب طرف مقابل بوده است.

نکته دیگر رشد اندیشه آخرالزمانی در بین خود یهودیان اسرائیلی است. **ایهود باراك** ـ نخست‌وزیر اسبق اسرائیل ـ هفته گذشته در مصاحبه با یکی از کانال‌های تلویزیونی فرانسه گفت: «**نتانیاهو** اسیر وزرای راستگرایش است و اینان خواهان ادامه و توسعه درگیری‌ها هستند؛ چون معتقدند این کار لازمه ظهور «ماشیح» (مسیح) است که قوم یهود را به سروری مطلق می‌رساند»!

اوضاع جهان عرب

۹ـ این یك واقعیت است که برخی از رژیم‌ها و احزاب و گروه‌های عربی به معنای واقعی اسرائیل دوست هستند. اسرائیل در این کشورها نفوذ فراوانی دارد و اینان از این نفوذ استقبال می‌کنند، زیرا این نفوذ در خدمت منافع سیاسی و تجاری و امنیتی آنهاست. این جریانی جدید است و در سالیان اخیر توسعه کمّی و کیفی فراوانی یافته است.

به جز این، کشورها و نیز گروه‌های دینی و قومی دیگری وجود دارند که اگرچه مخالف اسرائیلی‌ها هستند، پیروزی ایران و متحدانش را برنمی‌تابند؛ زیرا آن را در تعارض با تعادل اجتماعی ـ سیاسی و دینی ـ فرهنگی خود و موقعیت و آینده شان می‌دانند. این نکته مخصوصاً پس از حمله موشکی ایران به مراتب قابل لمس‌تر است. اگرچه بخش وسیعی از افکار عمومی آنان چنین نیست، اما واقعیت یادشده اساساً قابل مقایسه با آنچه در دهه‌های گذشته وجود داشت، نیست. در گذشته کلاً چنین بود و هیچ رژیم و گروهی جرأت نمی‌کرد مواضعی داشته باشد که هم‌اکنون دارد.

هم‌اکنون با نوع شدیدی از راستگرایی دینی مواجه هستیم. خصوصاً در بین مسیحیان انجیلی امریکایی و یهودیان ارتدوکس. مسئله این است که در طی ماههای پس از جنگ غزه، این جریان پیوسته نیرومندتر شده است. اینان تفکراتی آخرالزمانی دارند و رستگاری خود را در خدمت به اسرائیل می‌دانند. آنها خواهان تجمع یهودیان در فلسطین و ساختن مجدد معبد سلیمان هستند تا مسیح(ع) فرود آید و جهان گلستان شود. سیاست دولت بایدن عمیقاً متأثر از این جریان است

مقاله

یادداشت‌های روزانهٔ جلال آل احمد

به کوشش محمدحسین دانایی

بخش صد و بیست و نهم

یک‌شنبه ۲ شهریور ـ ۵/۵ بعدازظهر ـ شمیران

دیشب ساعت ۱۲ رسیدیم. از صبح ساعت هشت راه افتادیم، ۱۱ در آشتیان بودیم. چهار در «صالح‌آباد» کنار جادهٔ اراک. پنج قم و آنجا دسته‌ای ماندند، من هم با آنها، رفتند زیارت، فقیر هم به تماشا و بعد هم پنچری دادیم و هفت و ربع از قم راه افتادیم و هشت «علی‌آباد» بودیم که شام خوردیم و مختصر ع... که «صدیقی»[پرویز] داشت و راه افتادیم نُه و ربع و بعد خانه. و شب آب بود و بِرار داشت آب می‌گرفت و کمك او و یك و نیم ـ دو خوابیدیم. در راه باز یکی ـ دو تا از امامزاده‌ها را طرح کردم روی کاغذ و همان طور که ماشین می‌گذشت. فعلاً در همین سفر هفت ـ هشت تائی طرح تهیه کرده‌ام. تا چه بشود. همین طور کم‌کم دنبال خواهم کرد و اگر بعدها از آنها اُقم ننشست، یك کاری باهاش خواهم کرد.

و اما آنچه در این سفر دیدیم، به اختصار و کلیات که به دست آمد، اولاً، مرده‌شور این «ساتن»[الول] را ببرد، مخصوصاً زنش را. طوری شد که حتی «صدیقی» به گُ... خوردن افتاد از اینکه سال دیگر پسرش را پهلوی آنها بفرستد.

دیگر اینکه «صدیقی» با همهٔ اُشتُلُمی که دارد، آدم بی‌بته‌ای است و بی‌اراده. فقط به درد سر سفره می‌خورد که بگوید و بخندد و بخنداند، یك ندیم به تمام معنی، با همان آداب آشنا و به درد همان کارها بخور. افکاری دارد بسیار متشتّت، ملاك قضاوتی کاملاً متغیر و آدمی به تمام معنی درباری. زنش بسیار شلخته‌تر از «سیمین». صد رحمت به عهدوعیال بنده، و گذشته از شلختگی، بی‌حال و در عین حال، پر از آرزوهای ساکت و ناچار به خود دچارشده. دارم پرت می‌نویسم.

و «فرمند»[محمود] یك نمونهٔ تمام‌عیار از اشرافیت پوسیده‌ای که دهاتی هم شده باشد. نومید، هیچ‌کاره، سربار به تمام معنی، پر از ادا و اطوار و مجموعاً بی‌شعور، ولی آدمی مبادی‌آداب و خوش‌مشرب و دست و دلباز و الخ. و به هر صورت، نسبت به خانواده‌اش فداکار، یعنی همان گوشهٔ ده نشستن و برای پدر و خواهر برادرها پول درآوردن و کاری به کار دنیا نداشتن و به دست خود، خود را حبس کردن، بزرگترین فداکاری برای نوع «فرمند» است. دیگر بس است.

پنج‌شنبه ۱۳ شهریور ـ ۸/۵ بعدازظهر

این کار خارك سخت گرفتارم کرده، درست مثل عنکبوت که دنبال لقمه نانی تار می‌تند تا مگسی را صید کند، بعد خودش هم در آن گیر می‌کند، شده‌ام. گرچه عنکبوت می‌تواند به همان راحتی که تارش را می‌تند، آن را بخورد، یا آب کند و بگریزد و من این کار آمدی را هم ندارم. امروز رفته بودم به دیدار وابستهٔ فرهنگی هلندی‌ها و قرار و مدار برای اینکه صفحاتی از کتاب Niebhur[1] را که مربوط به خارك است، برای من عکس بگیرند از «لیدن» و بفرستند و دیگر اینکه اگر سندی، یا کاغذی، یا مدرکی ضمن اسناد وزارت خارجه‌شان دارند، بدهند. راستش مدتی پیش ـ قبل از سفر اخیر ـ با یك جوانکی هلندی آشنا شدم به اسم «ویسیل» که همکار «هوشنگ»[دانشور] است، یعنی مستشار نقشه‌برداری هوائی است در ادارهٔ «هوشنگ» و صحبت از این قضیه با او گذشت و به او گفتم که چون مراجع و اسناد انگریزی نظر خوشی به هلندی‌ها نداشته‌اند، بد نیست مستقیماً مراجع و اسناد هلندی را هم بتوانم ببینم. به نظرم، یارو به دست و پاافتاده که خودش بی‌اینکه من خواسته باشم، قرار ملاقاتی با این De Jong، یعنی وابسته فرهنگی اسمی و وابستهٔ سیاسی و اقتصادی رسمی مملکتشان برایم گذاشت. سه شنبهٔ گذشته هم همین «ویسیل» عصری دعوت کرده بود، جواب آن شبی که به قرار قبلی «هوشنگ» و مبتدا به ساکن آمده بودند خانهٔ ما، قبل از سفر اخیر.

ضمناً در خانهٔ او با یك جفت هلندی دیگر و بی‌بچه آشنا شدم که یهودی بودند و مدتی با شوهره که گویا «باکر» نامی بود، در بارهٔ کیبوتص‌های اسرائیل صحبت کردم و زنش فارسی می‌دانست و می‌خواند و می‌نوشت والخ... به هر صورت، از طرفی، این طور شده و حتی قرار است اگر کاغذی از هلندی‌هائی که آن وقت‌ها در خارك گذرانده‌اند، در دست باشد، برایم تهیه کنند و از طرف دیگر، از این «ساتن» مهمان «صدیقی» خواسته‌ام عکس تعدادی از کتب و مجلاتی را که اینجا نیست، برایم تهیه کند از «ادنبورگ». و این طوری شده که فعلاً سخت گرفتارم. سی ـ چهل صفحه‌ای نوشته‌ام که دویست تائی لغت و دو سه تا قصه ضمن آن است و دو سه فصل دیگر هم نیمه کاره است به انتظار همین شلوغ کاری‌هائی که کرده‌ام. به هر صورت گرفتارم کرده و مدرسه هم دارد شروع می‌شود و این هم که فعلاً تمام‌شدنی نیست. خوشبختانه این پروژهٔ خارك هم به تعویق افتاده و گویا هلندی‌ها و انگریزها با هم نمی‌سازند و این دومی‌ها مایل به اتمام کار نیستند و از این اباطیل و وقت زیاد دارم.

از کتاب «تاتی» تا به حال ۱۴۴ صفحه چاپ شده است و هنوز ۴۰ صفحه‌ای مانده است. فکر می‌کنم تا یك ماه دیگر دربیاید. به هر صورت، کاری است روی غلتك افتاده و رو به اتمام.

حالم باز دو سه روز است خوش نیست و برونشیت عود کرده و باز نسخهٔ «دکتر نشرودی» والخ. حالا هم در حال نوشتن بودم ـ از سطر دوم صفحه ـ که سرخرها وارد شدند. خاله و عهدوعیالاتش با «سیمین» از سفرهٔ حضرت عباس «بیگلری»[2] با هم برگشته‌اند. خدا عالِم است تا کِی بنشینند. فعلاً باید تمام کنم و بروم.

دوشنبه ۱۷ شهریور ـ سر ظهر

از روز شنبه تا به حال نقاش توی خانه است. درها متری سه تومان، هزاره چهار تومان و دیوارها رنگ سریشی متری پنج قران. از فردا هم قرار است بتّا بیاید، البته اگر درهای آهنی امروز عصر حاضر باشند. غرب ساختمان را قرار است یك اطاقِ کار کنیم و یك انباری پشتش و شرقِ بنا هم که آشپزخانه است و اطاق کلفت، باید شیروانی بشود و سقفش برود بالا. و تازه پول هم نداریم. دوهزار و پانصد تومانی داشتیم، دادیم به «منوچهر»[دانشور] که خانه بخرد. هزار تومان که خواهره گرفته و همین قدر هم پهلوی «اسماعیل‌زاده»[عیسی] است. اگر این پولها بود، به‌راحتی می‌شد کار را تمام کرد، یعنی وقتی قرار گذاشته بودم با بتّا و نقاش، «منوچهر» آمد که پول لازم دارم و دادیم. پولی را هم که «سیمین» از فروش خانهٔ شیرازشان دست آورده، گفتم نمی‌خواهم وارد زندگی‌مان بشود، یکسر داد به «ویکتوریا»[دانشور] که خانه یا زمین بخرد. این است که فعلاً درمانده‌ایم. شاید «سیمین» برود و بابت آن دوهزار و خرده‌ای که به «منوچهر» داده‌ایم، از «ویکی»[ویکتوریا دانشور] بگیرد. فعلاً فقط دویست تومان در خانه است و صد تومانی در بانك دارم، البته یك ۱۲۰۰ تومانی بابت مجله طلبکار هستم، ولی تا وصول شود، دُم گاو به زمین رسیده است. و حالا که شروع کرده‌ایم، می‌بینم پول نیست، و می‌گویم کاش شروع نکرده بودم!

«وثوقی»[ناصر] کار مجله‌اش را راه انداخته. دیشب توی روزنامه اعلانش را دیدم و تلفن کردم. معلوم شد دو سه روز دیگر درمی‌آید. خودش هم قرار شد پنج‌شنبه عصر بیاید اینجا گپی بزنیم.

دیگر اینکه کار خارك و غیره هم این روزها مالیده تا نقاشی و بتّائی تمام شود. چوب خرواری ۱۶۵ تومان است و آهن شیروانی کیلوئی ۲۶ ریال. برای بتّائی اصلی در سال ۳۱ یادم است چوب را به ۹۰ تومان خریدیم و آهن را به ۳۲ قران. این هم نشانهٔ دیگری از سیر قهقرائی این روزها در مملکت. واردات ارزان شده و روز به روز هم ارزان‌تر می‌شود و آنچه در خود مملکت است، بالا می‌رود. گُ... بگیرند این مملکت را!

دیگر اینکه شمارهٔ یازدهم این روزنامهٔ «صبح امید» هم آمد و این دفعه از برلین و به نظرم، از برلین شرقی، چون تمبرهایش با تمبرهای آلمان غربی فرقهائی داشت.

جمعه دوم آبان ۱۳۳۷ ـ ۱۰ صبح

امروز اولین بار است که در اطاقِ کار تازه ساخته می‌نشینم و قلمی می‌زنم. تازه دیروز از شر شیشه بر خلاص شده‌ام که زامِسقهٔ قلابی به پشت شیشه هازده بود که مثل روغن‌آب می‌شد و می‌آمد پائین. به این طریق، چهارهزارتومانی هم امسال توی این زمین وقف دفن کردیم. بدیش این است که کتاب‌ها در کتابخانه‌ای که درست کرده‌ام، جا نگرفته و باید یك کتابخانهٔ دیگر درست کنم. شاید هم اگر توانستم، بابت «مدیر مدرسه»هائی که به «ابن سینا» داده‌ام، یکی از این کتابخانه‌های ساخته و پرداختهٔ او را بخرم، یعنی بردارم بیاورم.

ادامه دارد

پی نوشت‌ها:

۱. نیبور ـ کارستن (۱۸۱۵ ـ ۱۷۳۳م)، جهانگرد و ریاضیدان آلمانی. صاحب یك سفرنامه در باره ایران، از جمله خارك. // ۲. بیگلری ـ احمدعلی، شوهر مهین افشار، دخترخالهٔ سیمین دانشور

آگهی تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت سرمایه گذاری آتیه تکادو (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۴۷۲۸۴۶ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۴۵۶۰۱۹

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت سرمایه گذاری آتیه تکادو (سهامی خاص) دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام این شرکت که در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ رأس ساعت ۸:۳۰ صبح در محل سالن اجتماعات شرکت مجتمع صنایع و معادن احیاء سپاهان واقع در تهران، خیابان شریعتی، ابتدای بلوار صبا، کوچه خلیلی، بن بست جاوید، ساختمان صبا پلاك ۲ طبقه منفی دو برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ استماع گزارشهای هیأت مدیره و بازرس قانونی و حسابرس مستقل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
۲ـ بررسی و تصویب ترازنامه و صورت حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ و نحوه تخصیص سود
۳ـ انتخاب حسابرس مستقل، بازرس قانونی و علی البدل برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۴ـ تعیین حق حضور اعضای غیرموظف هیأت مدیره
۵ـ تعیین حق الزحمه بازرس قانونی و حسابرس مستقل
۶ـ طرح و تصویب معاملات مشمول ماده ۱۲۹ اصلاحیه قانون تجارت
۷ـ تعیین حق حضور کمیته های تخصصی
۸ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی ها و دعوت نامه های شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۹ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیأت مدیره شرکت سرمایه گذاری آتیه تکادو

نمایندگان محترم هیأت امناء استان تهران

باسلام و صلوات بر محمد و آل محمد(ص)

بدینوسیله درخواست می شود در راستای ضوابط بند (الف) ماده (۱۳) اساسنامه، با توجه به فوت و محرومیت پنج نفر از اعضای هیأت امناء نمایندگان استان تهران از آن هیأت محترم دعوت به عمل می‌آید تا در خصوص تصویب افراد پیشنهادی هیأت مدیره، جهت جایگزینی هیأت امناء تهران در جلسه ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۸ در محل دفتر مرکزی انجمن واقع در تهران، خیابان ولی عصر (عج)، بالاتر از خیابان طالقانی، کوچه شهید فرهنگ حسینی، پلاك ۳ حضور به هم رسانید.

انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی ایران

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی و فوق العاده شرکت ایران اپرون

به اطلاع کلیه سهامداران می رساند جلسه مجمع عمومی عادی شرکت فوق در ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۲/۱۳ و جلسه مجمع عمومی فوق العاده در همان روز ساعت ۱۱ در محل دفتر شرکت جهت انتخاب هیات مدیره و بازرسین و بررسی وضعیت آتی شرکت برگزار می گردد.

هیات مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت صنایع زاب سان ارومیه (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۷۴۵۹ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۱۵۹۱۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ در محل اصلی شرکت به آدرس ونک ـ خیابان شهیدان حسن و مصطفی فوزی (هفتم) ـ خیابان ولیعصر ـ پلاك ۲۵۴۰ ـ برج خورشید ـ طبقه ششم تشکیل می گردد حضور به هم رسانند. **دستور جلسه:** ۱ـ بررسی و تصویب صورتهای مالی شرکت مربوط به عملکرد دوره مالی منتهی به ۱۴۰۱/۱۲/۲۹ ۲ـ انتخاب بازرس قانونی و حسابرس برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/